

شهادت حضرت رقیه سلام الله علیها ۱۴۴۰

قرارِ قلبِ بی قرار

قرارِ قلبِ بی قرارِ من رقیّه!

عشقِ من و نگار و یارِ من رقیّه!

ستارهٔ صبح و امیدِ شهرِ شامی

برای صیدِ دل، شده نام تو دامی

تویی پناه بی پناهان و ضعیفان

تو جلوهٔ خدایی و رحمتِ یزدان

هفت آسمون اسیر و مست نیم نگاهت

سرِ سگای تو به خاکِ بارگاهت

تویی رقیّه پارهٔ قلبِ حسین جان

به تو می گم درد دل و حدیثِ هجران

نورِ دو دیدهٔ حسین گریه رُ بس کن

پرندۀ دلُ رها ازین قفس کن

شمع وجود تو، عزیزِ جانِ زینب

آب شده با خونِ دلت، رقیّه! امشب

کنارِ رأسِ خونیِ بابا نشستنی

تُو کودکیِ چو مادرم زهرا شکستی

می میرم از غمِ رقیّه تُو خرابه

خونۀ دل ز داغ تو خیلی خرابه

دستِ کوچیک تو که هر گِره رُ واکرد
داغِ دلِ کهنه نوکرُ دوا کرد
قسم به آه و بغض تو، رقیه خاتون!
ز عشق تو شدم خدا می دونه مجنون
روضه بابای رقیه منو کُشته
اسم رقیه رُ خدا رُو دل نوشته
به محسنیه عاشقانِ مستِ مستیم
ما شیفته رقیه ایم و می پرستیم

تمامی اشعار این سایت، متعلق به هیئت شیفتگان حضرت رقیه (سلام الله علیها) شوش دانیال (علیه السلام) می باشد.
به نیت ترویج فرهنگ غنی شیعه ی علوی، کپی برداری با ذکر منبع مجاز می باشد.

Mohseniyeh.com